



سازمان ملل و ارتقای جایگاه امنیت انسانی

جواد حیران نیا^۱

کیهان برزگر^۲

مهدی ذاکریان امیری^۳

ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲

^۱. دانشجوی دکتری رشته روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (j.heirania@gmail.com)

^۲. دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول (kbarzegar@hotmail.com)

^۳. دکتر مهدی ذاکریان امیری، دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

امنیت انسانی از ابتدای تشکیل سازمان ملل مورد توجه این سازمان بوده است. پس از تشکیل این سازمان و در دوره جنگ سرد و شکل‌گیری نظام دو قطبی، امنیت انسانی در حاشیه قرار گرفت و ایده امنیت دولتی مطرح توسط مکتب واقع‌گرایی، ایده غالب امنیتی گشت. بعد از جنگ سرد و از بین رفتن نظام دو قطبی از یک سو و تغییر در ماهیت تهدیدات متوجه دولت‌ها از سوی دیگر ایده امنیت انسانی مجال بیشتری در سازمان ملل یافت. با این توضیحات، این پرسش مطرح است که سازمان ملل در راستای ارتقای امنیت انسانی چه اقدامات عملی انجام داده است؟ فرضیه تحقیق این است که تلاش‌های این سازمان برای ارتقای جایگاه امنیت انسانی در اعلامیه جهانی حقوق بشر، معاهده ژنو درباره حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ، معاهده نسل‌کشی اعلامیه حمایت از حقوق زنان و کودکان در زمان درگیری‌های مسلحانه، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و اعلامیه داشتن حق توسعه و کنوانسیون منع شکنجه، اهداف توسعه هزاره، ایجاد کمیسیون امنیت انسانی و ... متجلی شده است. روش تحقیق مقاله حاضر کیفی و مبتنی بر تحلیل توصیفی است.

• واژگان کلیدی

امنیت انسانی، امنیت دولتی، سازمان ملل، حقوق بشر، توسعه انسانی.

بعد از صلح وستفالی در سال ۱۶۴۸، سیستم بین‌المللی بر اساس ایده ایجاد دولت مدرن مبتنی بر حقوق حاکمیتی ابتدا یافت و معماری سیاسی جهان را تغییر داد. سیستم جدید به کشتار گسترده کاتولیک‌ها و پروتستان‌های اروپایی که بر سر تعاریف مسیحیت درگیر بودند، پایان داد. تغییر معماری سیاسی اساس نظام دولت مستقل مدرن را تشکیل داد. بعد از جنگ جهانی دوم نیز سیطره مکتب واقع‌گرایی باعث تمرکز بیشتر به سیستم بین‌المللی دولت محور شد که آثار آن در جنگ سرد قابل مشاهده بود. در حالی که مکتب واقع‌گرایی بر امنیت دولتی با موضوع نظامی متمرکز بود، لیبرالیسم، در ادامه پیشبرد برنامه توسعه خود، با هدف رهاسازی انسان از ترس و نیاز، به ارائه دکترینی امنیتی رو می آورد که با ایجاد تغییر در مرجع امنیت و در نتیجه، محوریت بخشیدن به انسان در مطالعات امنیتی، به دنبال تامین حداقلی شرایط زندگی برای انسان است که اقتضات منزلت انسانی او را محقق سازد. در واقع لزوم تمرکز بر پارادایم امنیتی انسان محور ناشی از چالش‌های قرن بیست و یکم که نشان داد صرفاً منفعت شخصی ملی برای مقابله با آنها کافی نیست، است. به عبارت دیگر، تهدیدهای وجودی متعددی وجود دارد که برای ایمن بودن هر کشوری نیازمند همکاری چندجانبه است (Granoff, 2022a).

بر این اساس، جامعه بین‌المللی به یک پارادایم جدید امنیتی نیاز فوری دارد. زیرا بحث امنیت از زمان پیدایش «امنیت دولتی»^۱ که در قرن هفدهم مورد حمایت قرار گرفت، به شدت تغییر کرده است. بر اساس آن ایده سنتی، دولت حقوق و ابزار حمایت از شهروندان خود را در انحصار خود در می آورد. قدرت دولتی و امنیت دولتی برای حفظ نظم و صلح ایجاد و گسترش یافت. اما در قرن بیست و یکم، هم چالش‌های امنیتی و هم محافظان آن پیچیده تر شده‌اند. دولت همچنان تامین کننده اساسی امنیت است. با این حال، اغلب به تعهدات امنیتی خود عمل نمی کند - و حتی گاهی به منبع تهدیدی برای مردم خود تبدیل شده است. با این وجود، از دید سازمان ملل متحد، «امنیت انسانی»^۲ مکمل امنیت دولتی و باعث افزایش حقوق بشر و تقویت «توسعه انسانی»^۳ است. این سازمان به دنبال محافظت از مردم در برابر طیف وسیعی از تهدیدات برای افراد و جوامع است تا افراد قدرتمند شوند تا از طرف خود اقدام کنند. این سازمان به دنبال ایجاد یک اتحاد جهانی برای تقویت سیاست‌های نهادی

¹. State security

². Human security

³. Human development

است که امنیت افراد و دولت‌ها را در پیوند با یکدیگر تعریف کند. بنابراین «امنیت انسانی» عناصر انسانی امنیت، حقوق و توسعه را گرد هم می‌آورد. مطابق تعریف کمیسیون امنیت انسانی سازمان ملل، امنیت انسانی عبارت است از: حفاظت از هسته حیاتی زندگی انسان‌ها به روش‌هایی که آزادی‌های انسانی و تحقق انسانیت را افزایش دهد. امنیت انسانی به معنای حفاظت از آزادی‌های اساسی است - آزادی‌هایی که جوهره زندگی هستند. این به معنای محافظت از مردم در برابر تهدیدها و موقعیت‌های بحرانی و فراگیر است. این به معنای استفاده از فرآیندهایی است که بر روی نقاط قوت و آرزوهای افراد بنا شده است. یعنی ایجاد نهادهای سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی، اقتصادی، نظامی و سیستم‌های فرهنگی که در کنار هم، عناصر سازنده بقا، معیشت و کرامت را به مردم می‌دهند. به همین دلیل است که در حال حاضر توجه باید از امنیت دولت به امنیت مردم یعنی امنیت انسانی معطوف شود. در این راستا باید توجه داشت هسته حیاتی زندگی مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های اولیه و بنیادین است که مردم از آن برخوردارند. آنچه مردم آن را «حیاتی» می‌دانند - آنچه را که «جوهر زندگی» و «بسیار مهم» می‌دانند، در افراد و جوامع متفاوت است. به همین دلیل است که هر مفهومی از امنیت انسانی باید پویا باشد (CHS, 2003).

سازمان ملل اولین بار مفهوم «امنیت انسانی» را در کمیسیون مستقل مسائل امنیتی خلع سلاح (کمیسیون پالمه^۱) در سال ۱۹۸۲ مطرح کرد (Galtung, 1983: 150). برنامه توسعه ملل متحد نیز بعد از یک دهه به بررسی ابعاد مفهومی و حقوقی آن پرداخت و اظهار داشت که فرد انسانی باید در بطن امور قرار بگیرد. همچنین برنامه توسعه ملل متحد در گزارش سال ۱۹۹۴ خود به دو جزء مهم امنیت انسانی اشاره کرد: «رهایی از ترس»^۲ و «رهایی از نیاز»^۳. با ایجاد کمیسیون مستقل امنیت انسانی توسط این سازمان، نهادینه کردن امنیت انسانی توسط سازمان ملل در دستور کار جدی تری قرار گرفت.

۱- پیشینه تحقیق

امنیت انسانی را می‌توان پارادایم نوین امنیت در آستانه قرن بیست و یکم تلقی کرد و آن را نوعی چرخش در مطالعات امنیتی در نظر گرفت؛ چرا که هدف مرجع امنیتی از دولت‌ها به انسان‌ها تغییر یافته است و متعاقب آن موضوعات امنیتی که در سنت گذشته (واقع‌گرایی^۴) «نظامی» تعرف می‌شد،

1. Palme commission

2. Freedom from fear

3. Freedom from want

4. Realism

گسترده‌تر شد و حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست محیطی نیز به عنوان موضوعات امنیتی مورد توجه قرار گرفت. در واقع، مفهوم امنیت انسانی، محصول پیروزی لیبرالیسم در عرصه روابط بین‌الملل در دهه ۹۰ میلادی است. در آن دهه، میزان قابل توجهی از موارد تاریخ ساز در توسعه که مهمترین آنها فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کمونیست در سال ۱۹۹۱ و در پی آن پیروزی سرمایه داری و دموکراسی غربی بود رخ داد که «فرانسیس فوکویاما»^۱ از آن تحت عنوان «پایان تاریخ»^۲ یاد می‌کند (Fukuyama, 1992: 56). این یعنی اعتقادی بازسازی شده در مورد تأثیرگذاری نهادهای بین‌المللی با محوریت سازمان ملل متحد، که جایگاه لیبرالیسم را نیز ارتقا داد و همزمان از اعتبار واقع‌گرایی سیاسی کاست و به پارادایم غالب در دوران پس از جنگ جهانی دوم مسلط شد. این تغییرات، لیبرال‌ها را به شدت تشویق به آزمودن نظریه‌های جدید در سیاست بین‌الملل و در جهت کاهش اهمیت مفاهیمی چون تهدید به جنگ، سیاست قدرت، رقابت نظامی و شبیه به آن که در پارادایم امنیت واقع‌گرایی با شکست مواجه شده بودند، کرد. می‌توان مفهوم امنیت انسانی را ماحصل این وقایع دانست که ابتدا در برنامه توسعه سازمان ملل، در سال ۱۹۹۴ بسط و تدوین شد و در پس آن، متعاقباً مورد پذیرش سیاست‌مداران و جامعه آکادمیک در مقیاس وسیع قرار گرفت (McRe and Hubert, 2001: 27).

از طرف دیگر امنیت انسانی را می‌توان دکترینی قلمداد کرد که متعاقب طرح ایده توسعه، که خود در زمره نسل سوم حقوق بشر جای دارد و فرایندی برای تحقق کامل حقوق بشر محسوب می‌شود، برای حمایت از حقوق بنیادین بشر و آزادی‌های اساسی تدوین شده و با اتکا بر آموزه‌های مکتب حقوق طبیعی، مبانی خود را در «حق صیانت ذات» و اصول «حیثیت و منزلت انسانی»، «آزادی»، «برابری» و «برادری» جستجو می‌کند (طرازکوهی، ۱۳۹۵).

پیش از اتمام جنگ سرد، مکتب واقع‌گرایی که بخش عمده آن، محصول اندیشه‌های «هانس مورگنتا»^۳ (Morgenthau, 1960) بود، نظریه غالب در دنیای روابط بین‌الملل و جامعه آکادمیک به شمار می‌رفت و بعدها توسط «کنت والتز»^۴ (Waltz, 1979)، اندیشمند واقع‌گرایی اصلاح شد و علت این امر هم قدرت آن هم در مقام نظریه و هم عمل در بررسی روابط میان دولت‌ها با نگاه امنیت ملی بود. هر دو بخش واقع‌گرایی کلاسیک^۵ و ساختارگرا^۶ (طرفداران نظریه والتز) بر روی امنیت کشور و

1. Francis Fukuyama

2. The end of history

3. Hans Morgenthau

4. Kenneth Waltz

5. Classical realism

6. Structural realism

عصر نزاع برای بقا در جهان بی‌قانون تاکید دارند و معتقدند استفاده از عنصر زور و اجبار علیه کشورهای دیگر احتمالاً امنیت و منافع ملی بیشتری را نصیب یک کشور می‌کند. عدم توانایی «آرمان‌گرایی ویلسونی»^۱ در جلوگیری از وقوع جنگ جهانی دوم، هر دو دسته واقع‌گراهای کلاسیک و ساختارگرا را متقاعد کرد که کارکرد مفاهیمی چون حقوق بین‌الملل، اخلاق، و نهادهای بین‌المللی به اندازه‌ای نبوده که بتوانند در تعیین و حل مسائل بزرگ نظام بین‌الملل یعنی جنگ و صلح تعیین‌کننده باشند.

نتایج عقلانی چنین شکستی نیز وقوع جنگ جهانی دوم بود و پس از آن، ایجاد تمهیدات لازم برای جنگ جای خود را به تلاش برای فراهم کردن شرایط برای جلوگیری از جنگ داد. در چنین شرایطی بدیهی است که امنیت به معنای مصونیت کشورها در برابر تهدید و تجاوز خارجی معنا شود. این نگاه دولت محور را می‌توان در روابط مسکو - واشنگتن در دوران جنگ سرد به وضوح مشاهده کرد. اما با اتمام جنگ سرد، رشته‌ای از پیشرفت‌ها به‌خصوص در زمینه سیاسی - نظامی منجر به کم-رنگ شدن مفهوم واقع‌گرایانه امنیت شد. این پیشرفت‌های جدید نوک تهدیدها را به جای امنیت کشور و مرزها بیشتر به طرف اشخاص و شهروندان نشانه گرفت که دیگر هیچ ارتباطی به مداخله نظامی خارجی نداشت. به وجود آمدن مشکلات جدید در مقیاس بزرگ هم‌چون مشکلات زیست‌محیطی، گسترش بیماری‌های همه‌گیر همچون ایدز، کشتار جمعی کردهای عراق توسط صدام در سال ۱۹۹۱ و نسل‌کشی مسلمانان بوسنی توسط صرب‌ها در اواخر عمر یوگسلاوی را می‌توان از مثال‌های این تغییر جدید نام برد (Mathews, 1989: 162-177). مفهوم واقع‌گرایانه امنیت اکنون در بسیاری از وجوه زیر سؤال رفته است. اولاً، این مفهوم قادر به ارائه راه‌حلی برای نبود امنیت شهروندان در داخل مرزهای کشور خودشان نیست. ثانیاً، تاکید بیش از حد این مکتب بر مفهوم امنیت نظامی برای جلوگیری از تهدید خارجی، آن را از رسیدگی به مسئله‌ای چون تهدید نوظهور غیر مسلحانه داخلی غافل کرده است. در اواسط دهه ۹۰ میلادی، اگر نگوییم تغییر کلی، اما لاقلاً نیاز به اصلاح ایده کلاسیک امنیت نظامی، مفاهیم واقع‌گرایی را از حالت دولت محور به حالت انسان محور تغییر داد.

۲- سازمان ملل و امنیت انسانی

مفهوم امنیت انسانی اولین بار با انتشار دستور کار صلح توسط «پطرس غالی»^۲ دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ از سوی این سازمان مطرح شد. بر اساس این سند، تهدیدات علیه

1. Wilsonian idealism

2. Boutros Boutros-Ghali

امنیت جهانی فقط ماهیت نظامی ندارند. در این سند به خطرات ناشی از لایه ازن اشاره شده و عنوان شده مخاطرات آن برای مردم جهان بیش از یک ارتش متخاصم است. همچنین در این سند به آسیب‌های ناشی از خشک‌سالی و بیماری اشاره شده که بی‌رحمانه‌تر از سلاح‌های جنگی عنوان شده است (Council of Europe, 2000).

با این وجود، امنیت انسانی نخستین بار به عنوان یک مفهوم با بار معنایی خاص در «گزارش توسعه انسانی»^۱ مطرح گردید. این گزارش - که از سوی «برنامه توسعه ملل متحد»^۲ در سال ۱۹۹۴ میلادی ارائه شد - امنیت انسانی را به منزله «آزادی از ترس» و «آزادی از نیاز» تعریف نمود و میان امنیت انسانی و هفت نوع دیگر از امنیت - اقتصادی، غذایی، سلامتی، محیطی، فردی، اجتماعی و سیاسی - تمایز قائل شد. از آن پس، برنامه پیشرفت و توسعه ملل متحد مفهوم امنیت انسانی را در اکثر گزارش‌های سالانه خود مطرح کرده است و گاهی اوقات نیز بخش ویژه‌ای به این مبحث اختصاص می‌دهد.^۳ سازمان‌های مختلف بین‌المللی کاربست این مفهوم را به مثابه بنیانی برای فعالیت‌های خود آغاز کردند و برخی کشورها نیز به پیروی از کانادا و نروژ این مفهوم را به‌عنوان یکی از ارکان سیاست خارجی خود تعیین نمودند. زاپن در سال ۱۹۹۹ میلادی یک صندوق امانی برای امنیت انسانی با مرجعیت سازمان ملل متحد تأسیس کرد و حرکت به سوی تشکیل یک کمیسیون امنیت انسانی^۴ را هدایت و رهبری نمود. اهداف این کمیسیون که در سال ۲۰۰۱ تشکیل شد، عبارت بودند از:

- ارتقای درک، مشارکت و حمایت عمومی از امنیت انسانی و الزامات اساسی آن؛
- بسط و توسعه مفهوم امنیت انسانی به عنوان ابزاری مؤثر برای فرمول بندی و اجرای سیاست؛ و
- پیشنهاد یک برنامه اقدام ویژه جهت مقابله با تهدیدات بحرانی و فراگیر علیه امنیت انسانی.

1. human development report

2. UNDP

۳. برای نمونه نگاه کنید به گزارش امنیت انسانی - تحت محاصره (UNDP, 1998: 24)، که بیان می‌کند: «امنیت انسانی - یک جنبه ضروری و دیگر از توسعه انسانی - شامل امنیت در برابر تهدیدات دیرینه ای همچون گرسنگی، بیماری و سرکوب است. این مفهوم همچنین به معنای حفاظت در برابر هرگونه اختلال و آشوب ناگهانی و مضر در زندگی روزمره انسانها - در خانه، محل کار و اجتماع است».

4. CHS

در فصل مقدماتی گزارش کمیسیون (CHS, 2003) این بحث مطرح می‌شود که میان امنیت انسانی و توسعه انسانی تشابهاتی وجود دارد؛ زیرا هر دو مفهوم به رفاه انسانی و آزادی‌های اساسی توجه دارند. با این حال، توسعه انسانی بر دستیابی به رشد و توزیع عادلانه مزایای آن میان انسان‌ها تمرکز می‌کند؛ در حالی که امنیت انسانی با فرارفتن از این مقوله، «شرایطی را در نظر می‌گیرد که تهدیدکننده بقاء و تداوم زندگی روزمره و شأن انسان‌ها است» (CHS, 2003: 10). پس از آن، کمیسیون به ارائه تعریف خود از امنیت انسانی می‌پردازد: «محافظة از هسته اساسی حیات تمام انسان‌ها با هدف گسترش آزادی‌های انسانی و رضایت انسانی» (CHS, 2003: 4). کمیسیون امنیت انسانی با تصدیق این موضوع که مباحث حیاتی یا بنیادین مورد نظر انسان‌ها تحت شرایط زمان و مکان متفاوت است، از ارائه فهرستی مفصل از مؤلفه‌های امنیت انسانی خودداری می‌کند. در عوض، دسته‌بندی‌های گسترده‌ای از ناامنی - «نیاز» و «ترس» - را شناسایی کرده و ابزارهای کلی برای برخورد با آنها - حفاظت و توانمند سازی - را پیشنهاد می‌کند.

کمیسیون امنیت انسانی خواستار یک ابتکار عمل جهانی برای دستیابی به اهداف ذیل است (CHS, 2003: 131-133):

- جلوگیری از تعارض و پیشبرد حقوق بشر و توسعه: شواهد حاکی از آن است که میان خشونت و تعارض از یک سو و فقر و نقض حقوق بشر از سوی دیگر یک هم‌بستگی وجود دارد. با این حال، هیچ‌گونه شواهد قطعی دال بر وجود رابطه علی میان خشونت و فقر یا عدم رعایت حقوق بشر وجود ندارد. با این وجود، صلح و خوشبختی و بهره‌مندی از حقوق اساسی به عنوان ارزشهای حقیقی و تلاش برای دستیابی به آنها به عنوان یک تعهد اخلاقی باید مورد توجه قرار گیرد.
- حفاظت و توانمندسازی انسان‌ها و اجتماعات آنها: بسیاری از جوامع بخش اعظمی از منابع خود را برای حفاظت از دولت در برابر تهدیدات واقعی یا بالقوه بسیج می‌کنند، اما برای مقابله با خطرات آشکار و موجود فراروی شهروندان اقدامات لازم را به عمل نمی‌آورند. این وضعیت باید تغییر کند و ابزارهای مناسب برای محافظت از «حیات تمامی انسانها در برابر تهدیدات بحرانی و فراگیر» فراهم شود (CHS, 2003: 132).
- و به مردم اجازه داده شود با «خطرات منفی» که ممکن است بوجود آیند، مقابله کرده و بر آنها غلبه نمایند.
- تعمیق اصول و شیوه‌های دموکراتیک.
- تمام موارد بالا برای ارتقای فرهنگ و چارچوب امنیت انسانی.

پس از آن، این کمیسیون ۱۰ وظیفه و تکلیف را تعیین می‌کند که پذیرش و اجرای آنها برای پیشبرد امنیت انسانی در تمام حوزه‌ها ضروری است (CHS, 2003: 133).

این وظایف و تکالیف عبارتند از:

- ارائه حداقل استانداردهای زندگی در تمام نقاط جهان.
- تضمین دسترسی تمام مردم جهان به مراقبت‌های بهداشتی اولیه.
- توانمندسازی تمام انسان‌ها از طریق آموزش و پرورش ابتدایی در سطح جهانی؛ و
- توضیح نیاز به یک هویت جهانی در کنار احترام به آزادی افراد که از هویت‌ها و وابستگی‌های متنوعی برخوردارند.

از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی، مفهوم امنیت انسانی نقطه تمرکز بسیاری از مباحثات در داخل سازمان ملل متحد، سازمانهای بین‌المللی و دولت‌ها در مناطق مختلف و همچنین حوزه‌های دانشگاهی و فکری بوده است. در ماه نوامبر ۲۰۰۰، یونسکو به منظور تعیین یک دستور کار مشترک در مورد موضوع امنیت انسانی و جلوگیری از بروز اختلاف نظر یک «نشست بین‌المللی با حضور مدیران مؤسسات پژوهشی و آموزشی صلح» برگزار کرد. یکی از مهم‌ترین پیشنهادهای ارائه شده در این نشست، دعوت از یونسکو برای ترویج رویکردهای منطقه‌ای به منظور تعریف و تعیین مناسب‌ترین الزامات و روشهای اقدام و مشارکت در ارتقای امنیت انسانی و جلوگیری از بروز تعارض در هر بافت منطقه‌ای و فرهنگی خاص بود. مورد دوم و در خصوص مشارکت در ارتقای امنیت انسانی و جلوگیری از بروز تعارض در هر بافت منطقه‌ای و فرهنگی خاص، از طریق توجه دقیق به دستورالعمل ابتکارات مهم بین‌المللی در حوزه امنیت انسانی، به ویژه ابتکارات دولت کانادا، «شبکه امنیت انسانی» و «کمیسیون امنیت انسانی سازمان ملل متحد» قابل دستیابی است (Sané, 2008).

با آگاهی به این پیشنهادها، تصویب رویکردهای منطقه‌ای در باب امنیت انسانی بی‌نهایت سودمند است. یونسکو با همکاری سازمان‌های محلی گفت‌وگو و اقدامات منطقه‌ای را با هدف پرداختن به موضوعات امنیت انسانی در مناطق مختلف جهان دنبال کرده است. یک مثال آشکار در این زمینه، مشارکت یونسکو در طرح ابتکاری «مشارکت جدید برای توسعه آفریقا» در «مؤسسه امنیت انسانی» (آفریقای جنوبی) با هدف پرداختن به بحث جلوگیری از بروز تعارض و سایر موضوعات مطروحه است. در آمریکای لاتین، دستاورد مشارکت یونسکو با «مؤسسه علوم اجتماعی آمریکای لاتین - شیلی» (۲۰۰۱-۳) ارائه توصیه به نشست‌هایی می‌شود که با حضور وزرای فعال در حوزه امنیت انسانی و

سایر انجمن‌های سیاست‌گذاری عالی‌رتبه و مرتبط با موضوعات امنیتی تشکیل می‌شوند. در سال ۲۰۰۳، یونسکو از طریق «کمیسون ملی کره برای یونسکو» و «دانشگاه کره» در سازماندهی یک کنفرانس بین‌المللی در حوزه امنیت انسانی در آسیای شرقی مشارکت کرد. یک کنفرانس مشابه نیز در مارس ۲۰۰۵ در شهر «امان»- پایتخت اردن- برای کشورهای عربی برگزار شد. افزون بر این، یونسکو در سال ۲۰۰۵ نیز دو کنفرانس در حوزه امنیت انسانی در آسیای مرکزی و جنوب شرقی برگزار کرد (Lee, 2004).

هم‌زمان، یونسکو سری جدیدی از نشریات خود را با عنوان «ارتقای امنیت انسانی: چارچوبهای اخلاقی، هنجاری و آموزشی» که به پنج منطقه از جهان می‌پردازد، عرضه کرده است (Lee, 2004). مفهوم امنیت انسانی در برخی از زمینه‌ها مورد انتقاد قرار گرفته است. به ویژه آن‌که تعریف، ارزیابی و پیاده‌سازی مفهوم امنیت انسانی امری دشوار تلقی می‌شود. مجله «گفت‌وگوی امنیتی» به تازگی بخشی ویژه به این مفهوم اختصاص داده است که در آن سردبیران «بورگس» و «اُون» پاسخهای بیست و یک تن از متخصصان و دانشگاهیان به این پرسش را که «امنیت انسانی چیست؟» نقل و تحلیل می‌نمایند (Burgess and Owen, 2004: 365). در بخش پایانی که پاسخ‌ها به‌طور خلاصه آمده است، اُون اشاره می‌کند که بر سر وجود یک «تفاوت کیفی» میان امنیت انسانی و توسعه انسانی اتفاق نظر وجود دارد، و امنیت انسانی «یک پیش شرط لازم اما ناکافی» برای توسعه انسانی است و بیان می‌کند که «چنانچه امنیت انسانی می‌توانست برطرف کننده اضطراری‌ترین تهدیدات باشد، آن‌گاه توسعه به موضوع رفاه و سعادت اجتماعی می‌پرداخت (Owen, 2004: 381). وی سپس آن‌چه را که خود «مفهوم سازی امنیت انسانی مبتنی بر حد آستانه‌ای» می‌خواند، مطرح می‌نماید: «امنیت انسانی حفاظت از هسته اساسی حیات تمام انسان‌ها در برابر تهدیدات بحرانی و فراگیر محیطی، اقتصادی، غذایی، بهداشتی، فردی و سیاسی است» (Owen, 2004: 383).

تعریف مزبور از این مزیت برخوردار است که قابلیت انعطاف دارد، و به تصمیم‌گیرندگان یا ناظران اجازه می‌دهد تصمیم بگیرند که یک موقعیت معین در چه مرحله‌ای به آن اندازه جدی می‌شود که می‌تواند به عنوان تهدیدی علیه امنیت انسانی تلقی شود و یک واکنش مناسب را ایجاب نماید. با این وجود، اُون به این امر آگاه است که تعریف وی ممکن است اسباب رضایت و اقباع دو گروه را فراهم نکند؛ گروه اول واقع‌گرایانی هستند که باور دارند تنها موقعیت‌های مرتبط با خشونت باید به مثابه تهدید علیه امنیت تلقی شوند و اینکه دولت باید تنها بازیگر مرجع در تحلیل امنیت باشد؛ گروه دوم نیز پست مدرنیست‌هایی هستند که تأکید دارند میلیون‌ها انسان با شکل‌نهایی نامنی- یعنی از دست

دادن حیات- روبرو هستند که دلیل آن نه جنگ بلکه گرسنگی، بیماری یا بلایای طبیعی است و از این رو استدلال می‌کنند که یک تعریف معتبر و صحیح از امنیت انسانی، «فرد» را به عنوان مرجع در نظر می‌گیرد و شامل هر موقعیتی می‌شود که رفاه فردی را تهدید می‌کند. اُون در تلاش برای دور ساختن امنیت انسانی از این بن بست مفهومی از هر دو گروه فوق خواسته است تا به منظور «متحد نمودن متفکران، رهبران و منابع جهانی بر سر موضوعات مبتلابه انسانی» به «درجه‌ای از فداکاری و چشم پوشی» رضایت دهند (Owen, 2004: 385). اُون معتقد است که تعریف مبتنی بر تعیین حد آستانه‌ای او امکان تمایز قائل شدن میان تهدیدات امنیت انسانی در سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی را فراهم می‌نماید، از اشکال یا دسته‌بندی‌های از پیش تعریف شده یا قراردادی تهدیدات فاصله می‌گیرد و اجازه می‌دهد که سیاست و خط مشی واکنشی بر حسب شدت واقعی تهدیدات تعیین شود. تعریف اُون از امنیت انسانی در ترکیب با تعریف پیشنهادی «کمیسیون امنیت انسانی» - یعنی هسته اساسی حیات انسان‌ها- مطرح می‌شود. در مورد منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا)، بحث را می‌توان با این فرض منطقی آغاز کرد که اعراب مانند سایر ابناء بشر آرزومند و مشتاق بهره مندی از مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های اساسی هستند که به آنها اجازه دهد:

- از سلامت جسمانی خود محافظت کنند.
- به کالاها و خدمات مورد نیاز جهت برآوردن احتیاجات مادی و غیرمادی خود دسترسی داشته باشند.
- از توان مقابله با پیشامدها و موارد اضطراری که تهدیدکننده بقاء است، بهره‌مند شوند.
- در فرآیندهای بکار رفته برای ترسیم، اصلاح، تحصیل و پیشبرد رفاه فردی و جمعی مشارکت نمایند.

این مطالعه به بررسی اجمالی شرایط یا عوامل اصلی می‌پردازد که در سطوح جهانی، منطقه‌ای و ملی حکم‌فرما بوده و بر تلاش‌ها در راستای دست‌یابی به امنیت انسانی تأثیرگذار هستند. در سطح جهانی، چهار عامل مورد بحث قرار می‌گیرند: پایان جنگ سرد؛ ظهور تهدیدات جهانی هم‌چون بیماری‌های همه‌گیر و تغییرات اقلیمی؛ انقلاب علمی- فن‌آورانه و اثرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن؛ و جهانی شدن، معنای آن، آشکارترین تجلیاتش و تأثیر آن بر جهان عرب.

در سطح منطقه‌ای، تمرکز بر نقش و موقعیت منطقه در روابط بین‌الملل در دوران پسا جنگ سرد و الگوهای تعارض و همکاری با تأکید ویژه بر مفاهیمی همچون «قومیه» یا وفاداری به ملت (امه) عرب و «وطنیه» یا وفاداری به دولت در شکل کنونی آن است.

در سطح ملی ماهیت دولت، روابط میان دولت (دولة) و شهروندان آن، و مفهوم حق حاکمیت و رابطه آن با شرایط بین‌المللی جاری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

عملیاتی کردن چهار مؤلفه که پیشتر در تعریف امنیت انسانی مطرح شد (سلامت جسمانی، نیازها، تواناییها و مشارکت) قابل توجه است. برای هر کدام از این مؤلفه ها، یک ارزیابی مرکب از شرایط کنونی منطقه عربی، شناسایی جنبه‌هایی از امنیت انسانی که به سطح بحرانی رسیده‌اند و شناسایی جنبه‌هایی که احتمالاً در کوتاه مدت، میان مدت و طولانی مدت به سطح بحرانی می‌رسند، صورت گرفته است. این بحث مطرح می‌شود که مجموعه‌ای از ارزش‌ها- که برخی از آن‌ها جهانی بوده و الباقی بر حسب فرهنگ عرب اقتباس شده و یا لازم است اقتباس شود- باید مبنای تعریف هنجارها یا استانداردهایی قرار گیرند که این هنجارها و استانداردها دربردارنده کمترین میزان از امنیت انسانی برای هر فرد عرب و یا طبق واژگان مورد نظر اُن، دربردارنده آن حد آستانه‌ای هستند که ورای آن، یک موقعیت مشخص ممکن است بحرانی و تهدید کننده امنیت انسانی تلقی شود. از این منظر، بدیل‌های متفاوتی به‌عنوان معیار مطرح می‌شوند: آیا هنجارها باید بر پایه آرمانهایی همچون فقدان کامل هر گونه ناامنی تعریف شوند، یا بر مبنای مقایسه با سایر مناطق / کشورها، یا بر اساس منابعی که در حال حاضر در دسترس هستند و / یا می‌توانند بسیج شوند و یا بر بنیان ترکیبی از معیارها. بنا بر این فرض منطقی که آموزش نقشی مهم در پاسخگویی به چالشهای حال و آینده ایفاء می‌کند، یک چارچوب آموزشی پیشنهاد می‌شود که به جهان عرب امکان می‌دهد علاوه بر کاهش ناامنی، فرآیند دستیابی به میزان مطلوبی از امنیت انسانی را آغاز نماید.

همانطور که «کوفی عنان»^۱ دبیر کل وقت سازمان ملل متحد اشاره می‌کند، امنیت انسانی به موارد اصلی دستور کار صلح، امنیت و توسعه می‌پیوندد. امنیت انسانی به این معنا جامع است که این دستور کارها را یکپارچه می‌کند: امنیت انسانی به معنای وسیع آن موارد بسیار بیشتری از عدم وجود درگیری خشونت آمیز را شامل می‌شود (Annan, 2000).

این شامل حقوق بشر، حکمرانی خوب، دسترسی به آموزش و مراقبت‌های بهداشتی و اطمینان از برخورداری هر فرد و استفاده از فرصت‌ها و انتخاب‌ها برای تحقق پتانسیل‌های خود است. هر گامی در این مسیر گامی در جهت کاهش فقر، دستیابی به رشد اقتصادی و جلوگیری از درگیری است.

^۱. Kofi Annan

آزادی از نیاز، آزادی از ترس و آزادی نسل‌های آینده برای به ارث بردن یک محیط طبیعی سالم - اینها هستند. واحدهای سازنده امنیت انسانی و در نتیجه ملی به هم مرتبط هستند. امنیت انسانی نیز کرامت انسانی را تقویت می‌کند.

افق دید مردم بسیار فراتر از بقا است و انسان به موضوعات عشق، فرهنگ و ایمان می‌اندیشد. حفاظت از هسته‌های از فعالیت‌ها و توانایی‌ها برای امنیت انسان ضروری است، اما این به تنهایی کافی نیست. امنیت همچنین باید در جهت توسعه قابلیت‌های افراد و جوامع برای انتخاب آگاهانه و اقدام به نمایندگی از علل و منافع در بسیاری از حوزه‌های زندگی باشد. به همین دلیل است که امنیت انسانی از این شناخت شروع می‌شود که مردم فعال‌ترین مشارکت‌کنندگان در تعیین رفاه خود هستند. این بر تلاش‌های مردم استوار است و کاری را که برای خودشان انجام می‌دهند، تقویت می‌کند.

علی‌رغم تلاش‌های سازمان ملل برای رسیدن به فهم و درک مشترکی از مفهوم امنیت انسانی، دیدگاه مشترکی در خصوص این مفهوم میان اعضای این سازمان وجود ندارد. در یک تقسیم‌بندی می‌توان دیدگاه‌های موجود را به دو دسته «موسع» و «مضیق» تقسیم بندی کرد.

۲-۱- دیدگاه موسع سازمان ملل به امنیت انسانی

مفهوم موسع از امنیت انسانی بر همه اشکال آسیب‌پذیری‌های انسانی توجه و تأکید دارد. از این‌رو هر گونه تهدید از هر منبعی را دربرمی‌گیرد؛ بر خلاف دیدگاه مضیق که خشونت سازمان یافته سیاسی را مورد شناسایی قرار می‌دهد. بر اساس این دیدگاه امنیت انسانی تنها «آزادی از ترس و هراس» نیست بلکه همچنین آزادی از احتیاج دیدگاه موسع بر سایر اشکال خشونت و سایر تهدیدات از جمله بلایای طبیعی، بیماری‌ها، تخریب محیط زیست، گرسنگی، بیکاری و نابسامانی و رکود اقتصادی توجه می‌کند. این دیدگاه توسط برخی از اسناد سازمان ملل از جمله اسناد سازمان ملل درباره امنیت انسانی سال ۱۹۹۴، گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۹۹۴، برنامه توسعه سازمان ملل^۱ در سال ۱۹۹۴، شورای اروپا و گروه بارسلون و کمیسیون امنیت انسانی مورد توجه قرار گرفته است.

در حالی که برخی با دیدگاهی تقلیل‌گرایانه بر تهدیدهایی چون بیماری‌ها و بلایای طبیعی تأکید دارند اما برخی با رهیافت و دیدگاهی موسع همه تهدیدها و آسیب‌های متوجه آزادی انسان و کرامت انسانی از جمله تهدیدهایی چون گرسنگی، بیماری‌ها، بلایای طبیعی، نابسامانی اقتصادی و سرکوب

^۱. UNDP

سیاسی را مورد توجه قرار می‌دهند. در اسناد سازمان ملل و مباحثات و مناظراتی که پیرامون امنیت انسانی در این سازمان صورت گرفته، امنیت انسانی اغلب از ترکیب و پیوند دو اصل و ستون منشور سازمان ملل که بنیانی برای تحقق حقوق بشر است حاصل شده است. این دو عبارتند از: آزادی (رهایی) از نیاز و آزادی (رهایی) از ترس. از دو سند سازمان ملل یعنی گزارش توسعه انسانی (۱۹۹۴) و برنامه توسعه سازمان ملل (۱۹۹۴) به‌عنوان دو منبع برای استفاده از مفهوم امنیت انسانی در دوران معاصر یاد می‌شود. نکته قابل توجه این است که صورت‌بندی و تعریف دقیق مفهوم امنیت انسانی سخت و دشوار است. چرا که مانند سایر مفاهیم بنیادی دیگر مانند آزادی انسان، امنیت انسانی نیز از جمله مفاهیمی است که در صورت فقدان آن راحت‌تر تعریف می‌شود. از این‌رو شاید مردم نتوانند امنیت را تعریف کنند ولی به خوبی فقدان آن را درک می‌کنند.

در گزارش «امنیت انسانی اکنون: حمایت و تقویت مردم» کمیسیون امنیت انسانی^۱ در خصوص امنیت انسانی تعریفی ارائه می‌کند که هم‌پوشانی قابل توجهی با گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ دارد. این گزارش تلاش دارد تا شکاف میان دو دیدگاه موسع و مضیق از امنیت انسانی را پر کند. این گزارش به جزئیات تهدیدهایی که متوجه امنیت انسانی است پرداخته اما به جای آن، به مجموعه‌ای گسترده از حقوق و آزادی‌های اولیه و اساسی که مردم باید از آن بهره‌مند باشند پرداخته است. به رغم این موضوع، این گزارش نمونه‌ها و مثالهایی از تهدیدات مهم از جمله آلودگی زیست محیطی، تروریسم فراملیتی، جابجایی گسترده جمعیتی، بیماری‌های واگیردار و سرکوب و محرومیت بلند مدت ارائه کرده است. این گزارش علاوه بر دولت بر بازیگران دیگر از جمله NGOها، سازمانهای منطقه‌ای و جامعه مدنی در مدیریت امنیت انسانی تأکید دارد و توانمندسازی مردم را به عنوان مهم‌ترین شرط امنیت انسانی مطرح می‌کند و بر این نکته تأکید می‌کند که امنیت دولتی و امنیت انسانی تقویت کننده یکدیگر هستند و به یکدیگر وابسته هستند. این گزارش بخش‌هایی را به اختصاص داده که در برابر تهدیدهای مناقشات خشن، فقر و امنیت اقتصادی، بهداشت و دانش آسیب پذیر هستند که این تهدیدات با ۷ حوزه ای که گزارش HDR در سال ۱۹۹۴ ارائه داده هم‌پوشانی دارد.

همچنین این دیدگاه توسط «تاکور»^۲ که از اعضای کمیسیون امنیت انسانی سال ۲۰۰۳ سازمان ملل بود بیان شده است. کمیسیون امنیت انسانی سال ۲۰۰۳ سازمان ملل به ریاست مشترک «آمارتیا سن»^۳ و «ساداکو آگاتا»^۴ تشکیل شد. تاکور بیان می‌دارد که «هدف امنیت انسانی حفظ هسته

1. Commission on Human Security

2. Thakur

3. Amartya Sen

4. Sadako Ogata

ضروری حیات همه انسان‌ها به شیوه‌ای است که آزادی‌ها و رضایت انسانی را توسعه و ارتقاء بخشد» (Burgess and Owen, 2004: 356). طرفداران دیدگاه موسع امنیت انسانی معتقد هستند که دولت‌ها باید در کنار مسئولیت امنیتی که برای خویش قائلند (یعنی حفظ مرزها و ممانعت از تجاوز بیگانگان) به مسئولیت‌های دیگری چون بهداشت، وضع رفاهی و سطح زندگی شهروندان توجه کنند. به این ترتیب اگر از منطق «آزادی منفی»^۱ و «آزادی مثبت»^۲ به قضیه نگاه کنیم هم به رفع موانع و عوامل مخل (آزادی منفی) توجه می‌شود و هم به توانمندسازی انسان‌ها و شهروندان (بعد مثبت آزادی).

۲-۲- دیدگاه مضیق سازمان ملل به امنیت انسانی

دیدگاه مضیق به امنیت انسانی بر تهدیدهای ناشی از خشونت به ویژه خشونت سیاسی سازمان یافته تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه تهدید سیاسی مردم از سوی دولت یا هر بازیگر سازمان یافته سیاسی دیگر، کانون مناسبی برای مفهوم امنیت انسانی است. این دیدگاه امنیت انسانی را این‌گونه تعریف می‌کند: «حفاظت افراد و اجتماعات از جنگ و دیگر اشکال خشونت» (Human Security Center, 2006). این تعریف از امنیت انسانی به صورت «آزادی از ترس» تهدید یا به کارگیری خشونت سیاسی، ساده و خلاصه شده است. بنابراین از تعریف موسع امنیت انسانی به معنای «آزادی از احتیاج» متمایز است. دیدگاه مضیق به امنیت انسانی در «شبکه امنیت انسانی»^۳ در سازمان ملل و گزارش‌های امنیت انسانی سالانه قابل مشاهده است.

۳- تلاش سازمان ملل برای ارتقای امنیت انسانی

از نظر تشکیلات سازمان ملل متحد، برنامه‌های اقتصادی و امنیتی پراکنده هستند و شورای امنیت مسئول مسائل صلح و امنیت است و مجمع عمومی طیف وسیعی از مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را پوشش می‌دهد. عمده منابع و قدرت عملیاتی در امور توسعه در موسسات مالی بین‌المللی نگهداری می‌شود. بنابراین مسئولیت بخش‌های مختلف (غیر قابل تفکیک) امنیت انسانی در بخش‌های جداگانه‌ای از سازمان ملل متحد و نهادهای مرتبط است. شورای امنیت سازمان ملل به تدریج درک خود را از تهدیدها گسترش داده است. صلح و ثبات جهانی شامل جنبش‌های گسترده پناهندگان، اچ

¹. Negative liberty

². Positive liberty

³. Human Security Network

آی‌وی/ایدز و نقض جدی حقوق بشر می‌شود. اما این درک باید بیشتر گسترش یابد تا مجموعه‌ای از مسائل امنیت انسانی دیگر را در بر گیرد تا سازوکارهایی برای پاسخ‌گویی به آن‌ها ایجاد شود. این امر مستلزم تأکید بر امنیت انسانی در کنار امنیت نظامی است. همچنین نیازمند چارچوب‌های هنجاری و برنامه‌های جدید برای رسیدگی به ناامنی‌های خاص جوامع و گروه‌های مختلف است. ابزارهای موجود عبارتند از: سازوکارهای هشدار اولیه، تحریم‌های هدفمند، حقیقت‌یاب و ماموریت‌های دیپلماتیک، و استقرار پیش‌گیرانه عملیات حفظ صلح و تأکید بیشتری بر آموزش، کاهش فقر و برابری می‌شود. درک این موضوع که حفاظت از مردم یک مسئولیت مشترک است گام مهمی به جلو است. یک جامعه مدنی قوی - و جوامع قوی - می‌تواند با بیان اهداف گروهی، نظارت بر سوء استفاده از قدرت و ارائه راه‌حل‌های مؤثر برای بسیاری از نارضایتی‌ها از تعارض جلوگیری کند. در این میان، کمیسیون امنیت انسانی سازمان ملل نقش مهمی در ارتقای امنیت انسانی ایفا کرده است. این کمیسیون دو هدف اصلی اجلاس هزاره سران در سال ۲۰۰۰ یعنی «رهایی از نیاز» و «رهایی از ترس» را دنبال می‌کند. این کمیسیون همچنین دارای صندوق تنخواهی^۱ برای امنیت انسانی است (CHS, 2003).

این صندوق در دسامبر سال ۲۰۰۹، حدود ۲۳۲ میلیون دلار به ۱۸۷ پروژه به بیش از ۶۰ کشور اختصاص داده است. اولویت تخصیص این منابع، مناطق بحرانی بوده است. بر این اساس آفریقا بالاترین درصد بودجه را با ۳۲.۳ درصد به خود اختصاص داده بود. اروپای شرقی و آسیای مرکزی با ۲۹ درصد، آسیا و اقیانوسیه با ۲۳.۳ درصد، آمریکای لاتین و منطقه کارائیب ۷.۷ درصد، خاورمیانه و کشورهای عربی ۲.۹ درصد نیز در رده‌های بعدی قرار داشتند (UNGA, 2010). این صندوق که در راستای ارتقای امنیت انسانی خانوارهای آسیب‌پذیر از طریق ارتقاء امنیت اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست محیطی و فردی در سرتاسر دنیا فعالیت می‌کند، اولویت خود را به مناطق بیشتر آسیب‌پذیر داده است و در سال ۲۰۲۲ این رویه را با فعالیت و کمک‌های مالی به مناطق آسیای میانه و کشورهایی چون تاجیکستان و کشورهای قاره آفریقا چون کنگو، نیجریه، کنیا، لیبیا، رواندا، سودان جنوبی دنبال کرده است (UNTFHS, 2022). کمیسیون همچنین در راستای تحقق امنیت انسانی بر حفاظت از مردم در درگیری‌های خشونت‌آمیز و حفظ حقوق و آزادی‌های مردم تأکید دارد. حفظ این حقوق یک چالش جدی در درگیری‌های خشونت‌آمیز به ویژه برای افرادی که با محرومیت‌های شدید اقتصادی و اجتماعی مواجه هستند (UNGA, 2010).

^۱. United Nations Trust Fund for Human Security

از سوی دیگر این کمیسیون بر محافظت از مردم در برابر تکثیر تسلیحات تأکید دارد. بر این اساس نیاز شدیدی به توقف تکثیر تسلیحاتی که امنیت مردم را تهدید می‌کند، وجود دارد. باید توجه داشت که چهار عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل (فرانسه، فدراسیون روسیه، بریتانیا و ایالات متحده) مسئول ۷۸ درصد صادرات جهانی سلاح هستند (Gillian-Borg, 2002: 2-6). حدود دو سوم این صادرات به کشورهای در حال توسعه ارسال می‌شود. این تجارت اسلحه به درگیری‌های خشونت‌آمیز دامن می‌زند. همچنین تأثیرات غیرمستقیم وحشتناکی بر جامعه، سیاست و اقتصاد دارد (UNDP, 1994: 54). طی سالهای ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ نیز کشورهای آمریکا، روسیه، فرانسه، چین، آلمان، ایتالیا و انگلستان بزرگترین صادرکنندگان سلاح به این کشورها بوده‌اند. آمریکا با صادرات مجموع ۳۸.۶ درصد، روسیه با ۱۸.۶ درصد و فرانسه با ۱۰.۷ درصد بیشترین سهم از صادرات جهانی سلاح را به خود اختصاص داده بودند (Buchholz, 2022).

سازمان ملل همچنین توجه خاصی به موضوع مهاجرت و جابجایی افراد از یک مکان (سرزمین) به مکان دیگر دارد. جابجا شدن مردم در سراسر مرزها و قاره‌ها نشان‌دهنده وابستگی متقابل فزاینده بین کشورها و مردم است. برای اکثریت مردم، مهاجرت نشان‌دهنده یک فرصت است چرا که معیشت خود را بهبود بخشند. برای دیگران، مانند افرادی که مجبور به فرار می‌شوند؛ زیرا جان و دارایی آن‌ها توسط جنگ، درگیری یا نقض جدی حقوق بشر تهدید می‌شود، مهاجرت برای حفاظت از امنیت انسانی آن‌ها حیاتی است. دیگران نیز ممکن است مجبور شوند خانه‌های خود را ترک کنند تا از فقر شدید، محرومیت مزمن یا رکودهای ناگهانی فرار کنند (UNGA, 2002).

ایجاد صندوق‌های انتقال امنیت انسانی برای موقعیت‌های پس از جنگ نیز از جمله تلاشهای سازمان ملل در ارتقای امنیت انسانی است. توافق‌های آتش‌بس و حل‌وفصل صلح ممکن است پایان درگیری خشونت‌آمیز باشد، اما به‌طور خودکار به معنای صلح و امنیت انسانی نیست. مسئولیت حفاظت از مردم در مناقشه باید با مسئولیت بازسازی، به ویژه پس از مداخله نظامی بین‌المللی، تکمیل شود. معیار موفقیت، پایان دادن به درگیری نیست، بلکه کیفیت آرامشی است که به جا مانده است (UN, 2000).

همچنین این سازمان بر ارائه حداقل استانداردهای زندگی در همه کشورها تأکید دارد. یک رویکرد جامع به کار و امنیت مبتنی بر کار برای امنیت انسانی ضروری است. معیشت امن به یافتن راه‌های پایدار و خلاقانه برای تضمین درآمد و کار معنادار بستگی دارد که بر اساس ظرفیت و نبوغ خود افراد فقیر است. جنبه‌های مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد شامل دسترسی به زمین، اعتبار، آموزش و

آموزش، به‌ویژه برای زنان و فقراست. همچنین اقداماتی ضروری است تا اطمینان حاصل شود که حداقل امکانات اجتماعی و اقتصادی برای همه، از جمله افراد فقیر شاغل و کسانی که کار حقوقی ندارند، وجود دارد. تدابیر ویژه برای کسانی که در فقر مزمن هستند و همچنین کسانی که در طول رکود اقتصادی، بلایا و بحران‌ها در معرض مشکلات اقتصادی هستند، از جمله زنان، کودکان، معلولان و سالمندان، مورد نیاز است. همچنین تلاش برای دسترسی همگانی به مراقبت‌های بهداشتی از یک سو و توانمندسازی همه مردم با آموزش پایه جهانی، از طریق تلاش‌های مجدانه جهانی و ملی از سوی دیگر از جمله تلاش‌های سازمان ملل برای ارتقای امنیت انسانی در سطح جهانی به‌شمار می‌رود (Richard, 2002). با این وجود، گزارش جدید برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که شکاف‌های بزرگ و گسترده‌ای در سیستم مراقبت‌های بهداشتی بین کشورها وجود دارد. بر اساس این گزارش، مراقبت‌های بهداشتی، بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۷، نابرابری در عملکرد مراقبت‌های بهداشتی بین کشورهای با توسعه انسانی کم و بسیار بالا بدتر شده است (UNDP, 2022).

همان‌گونه که اشاره شد، برنامه توسعه سازمان ملل نیز نقش مهمی در ارتقای جایگاه امنیت انسانی ایفا کرده است و علاوه بر گزارش سال ۱۹۹۴ که تعریف و چارچوب بندی مفصلی از امنیت انسانی بود، دفتر گزارش توسعه انسانی این برنامه گزارش‌های متعددی درباره امنیت انسانی ارائه کرده است. گزارش‌های مذکور نشان می‌دهد که چطور می‌توان به تعریفی فراگیر و مورد قبول کشورها در زمینه امنیت انسانی دست یافت که از ره‌گذر آن در ارتقای واکنش‌ها به ناامنی‌های ویژه بهره‌برد (UNGA, 2010). این برنامه همچنین متعاقب بیماری همه‌گیر کووید-۱۹، آنرا بحران جهانی بهداشتی تعیین کننده و بزرگ‌ترین چالش از زمان جنگ جهانی دوم به این سو خواند. این برنامه همچنین با تأکید بر این‌که این همه‌گیری یک بحران اجتماعی-اقتصادی ویران‌گر است، تلاش کرد تا با تأکید بر هر یک از کشورهایی که تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد، پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که می‌تواند زخم‌های عمیق و طولانی مدتی بر جای بگذارد، آنرا بکاهد. بر این اساس، این برنامه با تکیه بر تجربیات خود در مورد ابولا، اچ‌آی‌وی، سارس، سل و مالاریا، بخشی از مأموریت خود را برای ریشه کن کردن کووید-۱۹ به عنوان پاسخ اجتماعی-اقتصادی سازمان ملل متحد به COVID-19 را رهبری کرده است و از این ره‌گذر توانسته در توزیع عادلانه واکسن با بیش از ۶ میلیارد دوز نابرابری و شکاف عمیق در زمینه دریافت واکسن را جبران کند (UNDP, 2022).

اولین بار مجمع عمومی در ۲۷ جولای سال ۲۰۱۰ در نشست ۶۴ خود، قطعنامه‌ای در ارتباط با امنیت انسانی صادر کرد و بر اساس قطعنامه ۶۴/۲۹۱ مجمع عمومی از دبیرکل درخواست کرد تا

نظرات کشورهای عضو را در مورد مفهوم امنیت انسانی، از جمله تعریف احتمالی آن، در نشست ۶۶ این مجمع ارائه کند. بر این اساس مجمع به دنبال ایجاد درک مشترکی میان اعضا از مفهوم امنیت انسانی بود (UNGA, 2012). بر این اساس مجمع در نشست ۶۶ خود در ۲۵ اکتبر سال ۲۰۱۲ با صدور قطعنامه ۶۶/۲۹۰، امنیت انسانی را رویکرد و راهی قلمداد می کند که به کشورهای عضو سازمان ملل در تشخیص و تعیین چالش‌های عمده برای بقا، امرار معاش و کرامت انسانی کمک می کند (UN, 2012). علاوه بر مجمع عمومی و یونسکو و سایر نهادها و سازمان‌های وابسته به سازمان ملل که مورد اشاره قرار گرفت، شورای امنیت نیز در ارتقای مفهوم امنیت انسانی ایفای نقش موثری کرده است. این شورا، ارگان اصلی سازمان ملل برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. از سال ۱۹۴۵، شورای امنیت سازمان ملل متحد موارد بین دولتی را برای انجام وظایف محوله خود در نظر گرفته بود. در طول جنگ سرد، این شورا به ندرت به موضوعاتی روی آورد که به جای جوامع سیاسی، بر رفاه افراد متمرکز بود (Dedring, 2008).

بین سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰، این رویه کاملاً با جهت‌گیری غالب سیاست بین‌الملل که توسط کشورهای دشمن اصلی امنیت انسانی و متحدان آنها انجام می شد، مطابقت داشت. از سال ۱۹۹۰، چندجانبه‌گرایی تغییراتی را در خصوص وظایف این شورا ایجاد کرده است. در این زمینه افزایش درگیری‌های داخلی در کشورها نقش بسیار مهمی در تفسیر این شورا از امنیت در جهت ارتقای امنیت انسانی ارائه کرده است (Granoff, 2020b). برای نمونه این شورا در قطعنامه شماره ۲۵۳۲، پاندمی کووید-۱۹ را به عنوان تهدیدی پیش روی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد کرده است (UNGA, 2012). علی‌رغم تلاش‌های سازمان ملل در خصوص پاندمی کووید-۱۹، گزارش جدید برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که امید به زندگی جهانی برای دومین سال متوالی (۲۰۲۱ و ۲۰۲۲) حدود یک سال و نیم کاهش یافته است (UNDP, 2022).

در راستای حمایت از ملل تحت ظلم و ستم از سوی حکام خود، شورای امنیت در راستای ارتقای «امنیت انسانی» اختیارات و صلاحیت‌های خود در این زمینه را با تکیه بر دکترین «مسئولیت حمایت» افزایش داد. این دکترین در اجلاس سران مجمع عمومی در سال ۲۰۰۵ مطرح شد و با اجماع جهانی تصویب شد. این دکترین به عنوان هنجار اخلاقی ابزاری کارآمد در حمایت از ملت‌های تحت ستم و جنایات بین‌المللی محسوب می‌شود. با این وجود، شورا با توجه به ملاحظات سیاسی، امنیتی و اقتصادی و مناسبات بین قدرت‌های بزرگ، استفاده ابزاری از این دکترین کرده است و در مواردی با رویکرد فعال و بهره‌گیری از دکترین مذکور مانند مورد سرنگونی قذافی در لیبی و حوادث

ساحل عاج و در بسیاری موارد با رویکردی منفعلانه مانند قضایای یمن، سوریه و بحرین با بحران‌های بین‌المللی برخورد کرده است. باید توجه داشت تلاش‌ها برای اعمال این دکترین چون منوط به موافقت اعضای اصلی شورای امنیت و عدم وتوی آن‌هاست، کار تصویب را سخت و دشوار می‌سازد. چنانچه در مورد سوریه، تصویب قطعنامه مبتنی بر دکترین حمایت از سوی روسیه وتو شد. تنها مورد تصویب قطعنامه در این زمینه، در مورد لیبی بود که نهایتاً منجر به سقوط نظام قذافی شد (CFR).

همچنین سازمان ملل در راستای ارتقای حفظ محیط زیست، این موضوع را از دایره قلمرو حاکمیت ملی دولت‌ها خارج کرد و در جهت هماهنگی میان فعالیت کشورهای در این زمینه، برنامه محیط زیست ملل متحد با نام اختصاری (UNEP) را بنیان گذاشت. این برنامه در نتیجه کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط انسان در سال ۱۹۷۳ پایه گذاری شد. بر اساس اعلامیه محیط زیست بشر (بیانیه اصولی) که در ژوئن ۱۹۷۲ به تصویب کنفرانس جهانی محیط زیست انسان در استکهلم رسیده است، حفظ محیط زیست بشر و تضمین حقوق بشر برای برخورداری از محیط زیست سالم و تشویق و ترغیب فعالیت‌های زیست محیطی در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای و توسعه قوانین و معاهدات بین‌المللی به منظور کنترل آلودگی و تخریب محیط زیست ناشی از فعالیت‌های بشری از اهداف برنامه است (UNEP).

علاوه بر موارد مطرح شده، سازمان ملل با ابتکارات مختلف در تلاش برای ارتقای جایگاه امنیت انسانی بوده و در راستای همگانی کردن (امنیت انسانی برای همه) سمینارها و برنامه‌های آموزشی مختلفی را ترتیب داده است. در سمینار برگزار شده در لاس وگاس آمریکا در ژانویه ۲۰۲۳، به نقش حیاتی فن‌آوری در حمایت از تلاش‌های سازمان ملل برای پیشبرد امنیت انسانی برای همه پرداخته شد (UNTFHS, 2023).

با وجود تلاش‌های گسترده سازمان ملل جهت ارتقای امنیت انسانی، گزارش ماه فوریه ۲۰۲۲ برنامه توسعه این سازمان (UNDP) در مورد امنیت انسانی، اذعان می‌دارد که پیشرفت توسعه جهانی به‌طور خودکار منجر به احساس امنیت بیشتر نمی‌شود. داده‌ها و تحلیل‌های جدید در گزارش، نشان می‌دهد که احساس امنیت و امنیت مردم تقریباً در همه کشورها، از جمله ثروتمندترین کشورها، با وجود سال‌ها موفقیت رو به رشد در توسعه، در سطح پایینی قرار دارد. کسانی که از برخی از بالاترین سطوح سلامت، ثروت و نتایج تحصیلی بهره می‌برند، اضطراب بیشتری را نسبت به ۱۰ سال پیش اعلام کرده‌اند. برای مقابله با این عدم ارتباط بین توسعه و امنیت درک شده، این گزارش خواستار همبستگی بیشتر در سراسر مرزها و رویکردی جدید برای توسعه است، چیزی که به مردم اجازه

می‌دهد بدون نیاز، ترس، اضطراب و حقارت زندگی کنند. بر اساس این گزارش، علی‌رغم این که ثروت جهانی بیش از هر زمان دیگری است، اکثریت مردم نسبت به آینده احساس نگرانی می‌کنند و این احساسات احتمالاً در اثر بیماری همه‌گیر تشدید شده است. در تلاش برای رشد اقتصادی لجام گسیخته، کشورها همچنان به تخریب دنیای طبیعی خود ادامه می‌دهند در حالی که با گسترش نابرابری‌ها در داخل و بین کشورها، لزوم مدلی از توسعه که مخرب محیط زیست نباشد، بیش از پیش ضروری است (UNDP, 2023).

یافته‌های جدید نشان می‌دهد که امید به زندگی در سطح جهانی برای طی سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به دلیل کووید-۱۹ در حال کاهش است و اقدامات کلی توسعه انسانی نیز رو به کاهش است. علاوه بر این، تغییرات آب‌وهوایی احتمالاً به یکی از علل اصلی مرگ و میر در سراسر جهان تبدیل می‌شود. حتی با کاهش متوسط انتشار گازهای گلخانه‌ای، حدود ۴۰ میلیون نفر ممکن است به دلیل تغییرات دما قبل از پایان قرن خود را از دست بدهند. بر اساس این گزارش، تهدیدهای ناشی از فن‌آوری‌های دیجیتال، نابرابری‌ها، درگیری‌ها، و توانایی سیستم‌های مراقبت‌های بهداشتی برای مقابله با چالش‌های جدیدی مانند همه‌گیری کووید-۱۹ همچنان وجود دارند. لذا این سازمان از سیاست‌گذاران می‌خواهد که حفاظت، توانمندسازی و هم‌بستگی را در کنار یکدیگر در نظر بگیرند تا امنیت انسانی، ملاحظات سیاره‌ای و توسعه انسانی در جهت هماهنگی با یکدیگر پیش بروند و راه حل‌های یک مشکل مشکلات دیگر را تشدید نکند (UNDP, 2023).

نتیجه‌گیری

سازمان ملل از بدو تأسیس خود اگر چه عین اصطلاح امنیت انسانی را به کار نبرده، اما امنیت انسانی را در کانون اهداف خود قرار داده است. از دهه ۱۹۹۰ میلادی است که صورت‌بندی جدی از مفهوم امنیت انسانی در سازمان ملل صورت می‌گیرد. در اعلامیه جهانی حقوق بشر، معاهده ژنو درباره حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ، معاهده نسل‌کشی، اعلامیه حمایت از حقوق زنان و کودکان در زمان درگیری‌های مسلحانه، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، اعلامیه داشتن حق توسعه و کنوانسیون منع شکنجه و اهداف توسعه هزاره سازمان ملل (۲۰۰۰) بر امنیت انسانی و موضوعات آن تأکید شده است. برای تحقق اهداف امنیت انسانی در سازمان ملل، ارکان مختلف آن هم از دبیرخانه، مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی نقش مهمی در ارتقای

امنیت انسانی ایفا کرده‌اند. کمیسیون امنیت انسانی نیز از زمان تأسیس به صورت ویژه متمرکز بر ارتقای ابعاد مختلف امنیت انسانی است. این کمیسیون همچنین در راستای تحقق امنیت انسانی بر حفاظت از مردم در درگیری‌های خشونت‌آمیز و حفظ حقوق و آزادی‌های مردم تأکید دارد. از سوی دیگر، این کمیسیون بر محافظت از مردم در برابر تکثیر تسلیحات تأکید دارد. صندوق امانی این سازمان نیز با تأمین مالی پروژه‌های مختلف جهانی، به‌ویژه در مناطق آسیب‌پذیر در این راستا سهم مهمی داشته است. این صندوق در راستای ارتقای امنیت انسانی خانوارهای آسیب‌پذیر از طریق ارتقاء امنیت اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست محیطی و فردی در سرتاسر دنیا فعالیت می‌کند و اولویت خود را به مناطق بیشتر آسیب‌پذیر داده است. همچنین سازمان ملل در راستای ارتقای حفظ محیط زیست، این موضوع را از دایره قلمرو حاکمیت ملی دولت‌ها خارج کرد و در جهت هماهنگی میان فعالیت کشورها در این زمینه، برنامه محیط زیست ملل متحد را بنیان گذاشت.

علاوه بر این، سازمان ملل توجه خاصی به موضوع مهاجرت و جابجایی افراد از یک مکان (سرزمین) به مکان دیگر دارد. ایجاد صندوق‌های انتقال امنیت انسانی برای موقعیت‌های پس از جنگ نیز از جمله تلاش‌های این سازمان در ارتقای امنیت انسانی است. همچنین این سازمان بر ارائه حداقل استانداردهای زندگی در همه کشورها به منظور دسترسی به زمین، اعتبار، آموزش و آموزش، به‌ویژه برای زنان و فقرا تأکید دارد. این سازمان به دولت‌ها تأکید می‌کند که اقداماتی ضروری است تا اطمینان حاصل شود که حداقل امکانات اجتماعی و اقتصادی برای همه، از جمله افراد فقیر شاغل و کسانی که کار حقوقی ندارند، وجود دارد و تدابیر ویژه برای کسانی که در فقر مزمن هستند و همچنین کسانی که در طول رکود اقتصادی، بلایا و بحران‌ها در معرض مشکلات اقتصادی هستند، از جمله زنان، کودکان، معلولان و سالمندان، مورد نیاز است. همچنین تلاش برای دسترسی همگانی به مراقبت‌های بهداشتی از یک سو و توانمندسازی همه مردم با آموزش پایه جهانی از جمله تلاش‌های این سازمان برای ارتقای امنیت انسانی در سطح جهانی به‌شمار می‌رود.

با توجه به این‌که کشورهای مختلف و به‌ویژه در حال توسعه در برابر تحولاتی که امنیت انسانی را بهبود بخشد، مقاومت کرده و می‌کنند، سازمان ملل تلاش می‌کند به نقش رهبری‌کننده خود در حوزه امنیت انسانی ادامه دهد. این مأموریت به‌ویژه در قرن ۲۱ که تهدیدات عمدتاً متوجه امنیت انسانی است بیش از پیش اهمیت می‌یابد. چرا که ماهیت تهدیداتی چون تغییرات آب و هوایی، کمبود غذا، کمبودهای حوزه بهداشت و سلامت، مبارزه با بیماری‌های همه‌گیر و ... به‌گونه‌ای است که همکاری‌های چند جانبه را می‌طلبد.

منابع و مآخذ

فارسی:

– حسین شریفی طرازکوهی، جواد مصطفی لو، مبانی هنجاری دکترین امنیت انسانی، فصلنامه آفاق امنیت، زمستان ۱۳۹۵ شماره ۳۳.

انگلیسی:

- Alkire, S. (2002), “A conceptual framework for human security”, Working paper, No.2, **Center for Research on Inequality, Human Security and Ethnicity (CRISE)**, Queen Elizabeth House: University of Oxford.
- Annan, Kofi. (2000), “Secretary-General Salutes International Workshop on Human Security in Mongolia.” **Two-Day Session in Ulaanbaatar**, May 8-10, 2000. Press Release SG/SM/7382, At: www.un.org/News/Press/docs/2000/20000508.sgsm7382.doc.html.
- Bajpai, K. (2003), “The Idea of Human Security,” **International Studies**, Vol.40(3).195-228.
- Buchholz, Katharina (2022), “The World's Biggest Arms Exporters,” **Statista**, At: <https://www.statista.com/chart/18417/global-weapons-exports/>
- Burgess, J. Peter; OWEN, Taylor. (2004). “Editors’ note – special section: What is ‘human security’?”, **Security Dialogue**, Vol. 35(3). 345-71.
- CFR, “The Rise and Fall of the Responsibility to Protect,” **Council on Foreign Relations**, At: <https://world101.cfr.org/how-world-works-and-sometimes-doesnt/building-blocks/rise-and-fall-responsibility-protect>.
- CHS. (2003). **Human Security Now**. New York: United Nations Commission on Human Security, at <https://www.resdal.org/ultimos-documentos/com-seg-hum.pdf>.
- Council of Europe (2000), “Human security, Manual on Human Rights Education with Young People,” At: <https://www.coe.int/en/web/compass>.
- Dedring, Jürgen (2008), “Human Security and the UN Security Council,” **Globalization and Environmental Challenges**, Volume 3, pp. 605–619. See especially p.605, At: https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-540-75977-5_46.
- Fukuda-Parr, S., Messineo, C. (2012), Human Security: A critical review of the Literature,” **Center for Research on Peace and Development**, Working paper, No.11, January.
- Fukuyama, F. (1992), **The End of History and the Last Man**, New York: Free Press.
- Galtung, Johan, “The Palme Commission Report on Disarmament and Security A Critical Comment,” **Bulletin of Peace Proposals**, Vol. 14, No. 2 (1983), pp. 147-152.
- Gillian-Borg, Jetta, ed. (2002), **SIPRI Yearbook 2002: Armaments, Disarmament and International Security**, Oxford: Oxford University Press.
- Granoff, Jonathan (2022a), “Human Security: A Strong Foundation for Multilateral Cooperation,” **Cadmus Journal**, At: <https://gsinstitute.org/human-security-a-strong-foundation-for-multilateral-cooperation/>

- Granoff, Jonathan (2022b), "Approaching Human Security," **Cadmus Journal**, At: <http://cadmusjournal.org/article/volume-4/issue-3/approaching-human-security>.
- Hampson, F. (2002), *Madness in the multitude: human security and world disorder*, Ontario: Oxford University Press.
- Haq, M. (1995), **Reflections on Human Development**, New York: Oxford University Press.
- Haq, K. (1999), "Human Security for Women," In Tehranian, M. (ed.), *Worlds Apart: Human Security and Global Governance*, London, I.B. Tauris Publishers.
- Human Security Center (2006), **Human Security Report 2005, War and Peace in the 21st Century**, University of British Columbia, Canada.
- Human Security Centre (2008), "What is Human Security," At: <http://www.humansecurityreport.info/index.php?option=content&task=view&id=24&Itemid=59>.
- James, P. (2014), "Human Security as a Left-Over of Military Security, or as Integral to the Human Condition", In **Paul Bacon and Christopher Hobson, Human Security and Japan's Triple Disaster**, London: Routledge.
- Kaldor, M. (2007), **Human Security: Reflections on Globalization and Intervention**, Cambridge: Polity Press.
- Kerr, P. (2007), **Human Security, In Allan Collins (ed) Contemporary Security Studies**, Oxford University Press. 122-134.
- King, G. (2004), *Rethinking Human Security*, Translated by Morteza Barhani, **Strategic Studies Quarterly**, No. 4.
- King, G., Murray, C. (2002), *Rethinking Human Security*, **Political Science Quarterly**, Vol.116 (4). 585-610.
- Lee, Shin-wah (2004), "Promoting human security: ethical, normative and educational frameworks in East Asia," **Korean National Commission for UNESCO**, At: <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000138892>.
- Macfarlane, S. Neil and Foong Khong, Y. (2006), "Human Security and the UN: A Critical History," **Foreign Affairs**, At: <http://www.foreignaffairs.com/articles/61773/g-john-ikenberry/human-security-and-the-un-a-critical-history>.
- Mathews, Jessica T. (1989), "Redefining Security," **Foreign Affairs**, 68(2). 162-177.
- McRae, R., Hubert D. (eds.). (2001), **Human Security and the New Diplomacy: Protecting People, Promoting Peace**, Montreal: McGill-Queen's University Press.
- Michael, S. (2002), "The Role of NGOs in Human Security," Working Paper 32, **The Hauser Center for Nonprofit Organizations and the Kennedy School of Government Harvard University**.
- Morgenthau, Hans J. (1960), **Politics among Nations: The Struggle for Power**, New York: Alfred A. Knopf.
- Ogata, Sadako (2001), "State Security—Human Security," **UN Public Lectures, the Fridtjof Nansen Memorial Lecture, UN House**, Tokyo, 12 December. www.unu.edu/hq/public-lectures/ogata.pdf.
- Paris, R. (2001), "Human Security - Paradigm Shift or Hot Air?" **International Security**, Vol. 26(2). 87-102.

- Pirages, C., Manley, T. (2004), **Ecological Security: An Evolutionary Perspective on Globalization**, Rowman & Littlefield.
- Pitsuwan, S. (2007), "Regional Cooperation for Human Security," **Keynote address to the International Development Studies Conference on Human Security: The Asian Contribution**.
- Rischard, Jean-Francois. (2002), **High Noon: 20 Global Problems, 20 Years to Solve Them**, New York: Basic.
- Ryerson, C., Acharya, A. (2008), "Human Security Research: Progress, Limitations and New Directions," **Report of a Conference Organised by the Centre for Governance and International Affairs**, Working Paper No. 11-08, Department of Politics, University of Bristol.
- Sané, Pierre (2008), "Human security: approaches and challenges," **UNESCO**, At: <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000159307>.
- Spiegel, J.M., R. Huish. (2009), "Canadian foreign aid for global health: Human security opportunity lost," **Canadian Foreign Policy Journal**, 15(3). 60-84.
- Stewart, F. (2004), "Development and Security. Centre for Research on Inequality, Human Security, and Ethnicity (CRISE)," **Working Paper**, London: University of Oxford.
- Tadjbakhsh, S., Chenoy, A. (2006), **Human Security: Concepts and implications**, London: Routledge.
- Tadjbakhsh, S. (2007), Human Security in International Organizations: Blessing or Scourge?" **The Human Security Journal**, Volume 4, Summer.
- Thomas, C., (2001), "Global governance, development and human security: exploring the links," **Third World Quarterly**, Vol. 22(2).159-175.
- United Nations. (2000), **Report of the Panel on United Nations Peace Operations**. A/55/305-S/2000/809, New York.
- United Nations. (2010), **Report of the Security-General to the sixty-fourth session of the United Nations General Assembly**, A/64/701.
- United Nations Development Programme (1994), **Human Development Report**, At: http://hdr.undp.org/sites/default/files/reports/255/hdr_1994_en_complete_nostats.pdf.
- United Nations Development Programme (2022), "6 in 7 people worldwide plagued by feelings of insecurity, reports UN Development Programme," At: <https://www.undp.org/press-releases/6-7-people-worldwide-plagued-feelings-insecurity-reports-un-development-programme>.
- United Nations Development Programme (2022), "An integrated global response is an investment in our future," At: <https://www.undp.org/coronavirus>.
- UNEP "United Nations Environment Programme," At: <https://kenya.mfa.gov.ir/portal/GeneralCategoryServices/13669>.
- United Nations General Assembly (2012), "Follow-up to General Assembly resolution 64/291 on human security," At: <https://reliefweb.int/report/world/follow-general-assembly-resolution-64291-human-security-report-secretary-general-a66763>.
- United Nations General Assembly (2002), "Strengthening of the United Nations: An Agenda for Further Change: **Report of the Secretary-General**, A/57/387," At: www.un.org/peace/reports/peace_operations/

- United Nations General Assembly (2010), “Human Security: Report of the Secretary-General, A/64/701,” At: <https://docs.unocha.org>.
- United Nations General Assembly (2012), “Resolutions adopted by the General Assembly at its 66th session,” At: <https://research.un.org/en/docs/ga/quick/regular/66>.
- United Nations General Assembly (2012), “Resolution adopted by the General Assembly on 10 September 2012,” At: <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N11/476/22/PDF/N1147622.pdf?OpenElement>.
- UNTFHS (2022), “United Nations Trust Fund for Human Security: Call for Proposals 2022,” At: <https://www.fundsforngos.org/latest-funds-for-ngos/united-nations-trust-fund-for-human-security-call-for-proposals-2022/>
- United Nations Trust Found for Human Security (2023), “Technological Innovations for Human Security: HS4A at CES2023,” At: <https://new.worldacademy.org/conference-page/ces-2023/>
- Waltz, Kenneth N. (1979), **Theory of International Politics**, London: Addison-Wesley Publishing Company.
- Westing, A. (2013), **Pioneer on the Environmental Impact of War**, Springer.
- World Bank. (2003), **Global Development Prospects and the Developing Countries 2003**, Washington, D.C.
- World Health Organization, Chronic Diseases, At: http://www.who.int/topics/chronic_diseases/en.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی